

# خارج از محدوده نشینهای لیما

نوشته

آنا واگنر د ریبا

هیچ حمایت مالی و بانقض قوانین جاری مالکیت و استانداردهای خانه‌سازی شهری، آنها را ساخته‌اند. زمین محل احداث شهرکها معمولاً غیرقانونی و گاهی به سادگی از طریق اشغال به دست آمده و توالی معمول برنامه‌ریزی شهری وارونه شده است، یعنی مردم پیش از بالا رفتن ساختمانها به محل نقل مکان کرده‌اند و خانه‌ها بعداً دارای خدمات شهری شده و به تصاحب قانونی اشغالگران درآمده‌اند.

در لیما شهرکهای خارج از محدوده یا به اصطلاح محله‌های «خودانگیخته» (spontaneous) کمی پس از جنگ جهانی دوم شروع به تکثیر کردند. این شهرکها زاینده هجوم جمعیت در نتیجه درون کوچی، کمبود مسکن برای طبقات فقیر و فقدان خط‌مشی منسجمی برای تأمین مسکن بود. وجه تمایز این شهرکها از محله‌های مسکونی دیگر بابتخت پرو این است که ساکنان شهرکها خودشان، بدون



## منشأ شهرسازیهای هردهی

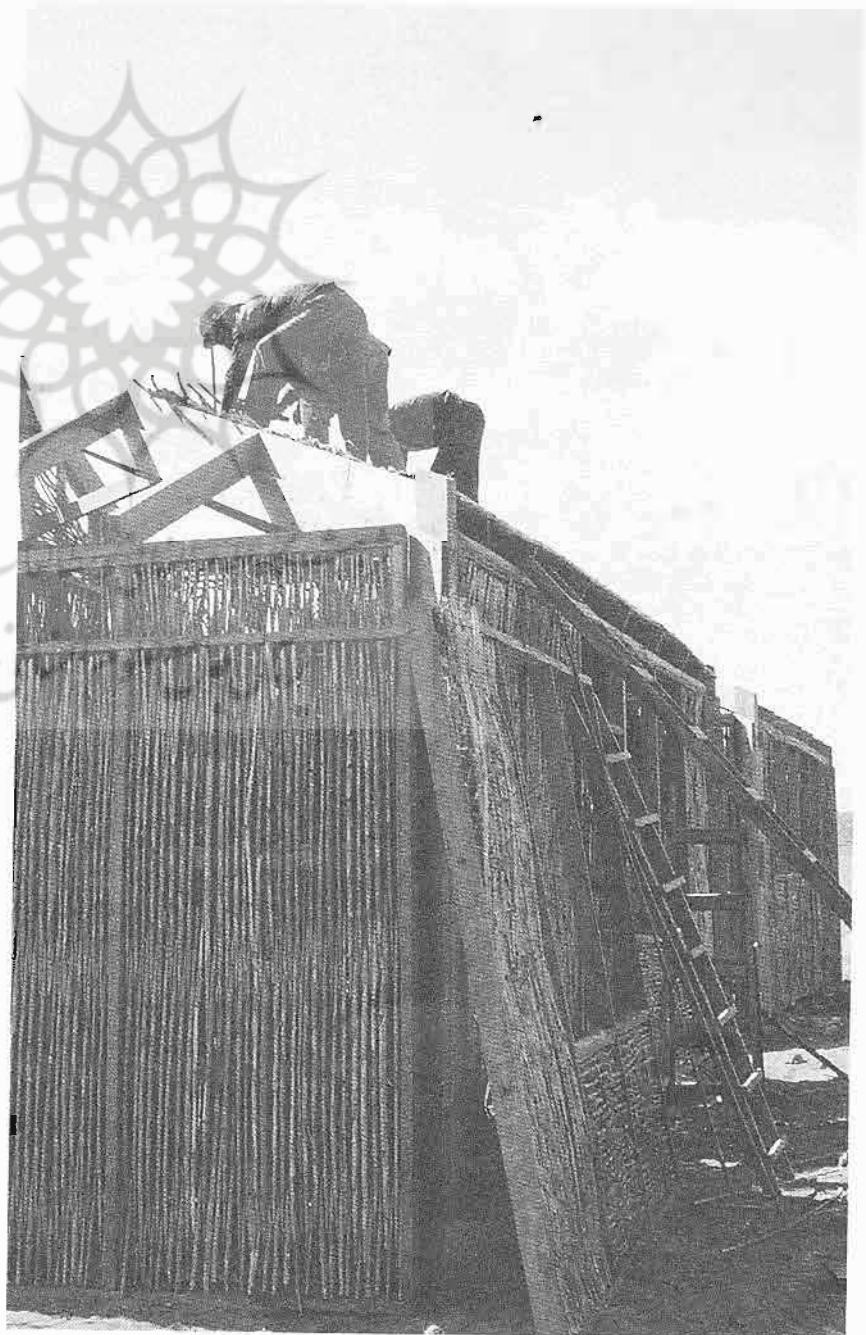
حتی با نگاهی گذرا می‌توان فهمید که این محله‌ها نقشه‌ای منسجم و اسلوبی دارند که معمولاً به شکل شبکه چهارخانه است. راهها با زاویه‌های راست با هم برخورد می‌کنند و اغلب گرد یک میدان مرکزی به نام پلازا د آرماس - میدان رژه - تجمع می‌یابند.

این مدل صفحه شطرنجی در زمین مسطح حاشیه شهر با نظم پیاده می‌شود. جاده‌های پهن و مستقیم مربعی و مستطیلیسایب تشکیل می‌دهند. در دامنه تپه‌ها نیز هر جا وضعیت زمین اجازه دهد همین الگو تکرار می‌شود. میدان مرکز شبکه چهارخانه، محل ساختمانهای عمومی اصلی، نظیر کلیسا، مدرسه و عمارت شهرداری است. زمینی که در آغاز پروژه کنار گذاشته می‌شود برای امکان گسترش شهر و ایجاد فضای سبز در نظر گرفته می‌شود، گرچه پس از مدتی این زمینها نیز برای خانه‌سازی بیشتر ناپدید می‌شوند.

راست، اکثر ساختمانهای جدید ویلا ال سالوادور، در حاشیه لیما، به وسیله خود داوطلبان ساخته شده‌اند.

این نوع توسعه شهری بسیار ویژه است. تمام محله‌هایی که مردم فقیر می‌سازند ناگهان، گاهی در طول چند ساعت، از زمین می‌رویند و سالها ناتمام می‌مانند. ساختمانها ناپایدارند و فاقد تجهیزات کافی - ویژگیهایی که عنوان «خودانگیخته» را برای این شکل جدید شهرسازی کسب کرده‌اند.

بنا به تعریف فرهنگ لغت، واژه «خودانگیخته» به معنای چیزی انگیزی و محاسبه نشده، غریزی و خارج از محدودیت است. اما هیچ‌یک از این صفتها در مورد شهرکهای خارج از محدوده غیرقانونی لیما صدق نمی‌کند زیرا دقت و انسجامی دارند که با مفاهیم فعالیت ناخودآگاه یا بررسی نشده نمی‌خوانند. حتی چنین نیست که این شهرکها به جای پیروی از الزامات فرهنگی از ضرورت‌های طبیعی پیروی کرده باشند، زیرا در زمینه‌ای کاملاً تاریخی و فرهنگی جای دارند. درحقیقت این شهرکها واکنش نیازمندان به شکست خط‌مشی تأمین مسکن عمومی و خصوصی‌اند.



در آمریکای جنوبی، طرح شبکه چهارخانه شهری با یک میدان مرکزی معنای نمادی مهمی دارد، چرا که در قرن شانزدهم این طرح بخشی از تلاش اسپانیاییها برای سازمان دادن و آرام کردن قلمروهای جدیدی بود که فتح کرده بودند. به استثنای چند بندر و مرکز معدنکاری، تقریباً نقشه تمام شهرها و شهرکهایی که اسپانیاییها تأسیس کردند مانند صفحه شطرنج منظم بود. در این شکل از شهرسازی هیچ چیز خودانگیخته‌ای وجود نداشت. این شکل شهرسازی نتیجه محاسبه دقیقی بود که در سال ۱۶۸۱ در مدت پادشاهی شارل دوم، به صراحت در مجموعه قوانین مربوط به هند غربی و شرقی بیان شده بود. در این قوانین مدل صفحه شطرنجی تنها طرح شهری قابل قبول شناخته شده بود. دستورهای قبلی، از جمله آنکه به وسیله فیلیپ دوم در ۱۵۷۳ اعلام شد، همین آرایش را به عنوان مدلی برای جوامع اسپانیایی و سرخپوست توصیه می‌کرد.

در آن زمان، طرح شبکه چهارخانه واکنشی به الزامهای استراتژیکی مهمی بود. این طرح، با پلازا د آرماس مرکزی، در درجه اول تقریباً المثنایی از یادگانه‌های نظامی بود که اسپانیاییها هنگام خطر به درون آنها عقب‌نشینی می‌کردند. شبکه چهارخانه، علاوه بر کاربردهای صرفاً نظامی، بخشی از کوشش اسپانیاییها در جهت القای یک نظام اجتماعی مستحکم برای تأمین نظم، اتحاد و همبستگی در سرزمینهای مستعمره بود. با این مدل شهرسازی، اسپانیاییها علی‌رغم کمتر بودن تعدادشان، تصویر



تازه‌واردهای ویلا ال سالوادور  
اغلب هنگام ساختن نخستین  
خانه خود از نی و حصیر  
به عنوان مصالح استفاده  
می‌کنند.

مردمی کاملاً دارای نظم، سازماندهی و کارایی از خود به مردم  
بومی تحمیل می‌کردند.  
امروز همان اندیشه‌های ساده دوباره پا گرفته است و  
راه‌حلهای مشابهی برای مسائل توسعه ارائه می‌کند. به هر حال  
انگیزه‌ها شبیه هستند: نیاز به نظم دادن به یک تکه زمین.

سیاستمدار یا کارمند عالی مقام دولتی نیاز دارند که محله‌های  
احتمالی مناسب را به آنها پیشنهاد کند. سپس خانواده‌ها رهبرانی  
برای اداره عملیات انتخاب می‌کنند، چرا که اشغال زمین مستلزم  
فعالیت جمعی هماهنگ است. در نقل مکان به زمین، فرد پیشقدم  
نمی‌شود زیرا این کاری اشتراکی است که فعالیت هماهنگ همه  
اعضای گروه را می‌طلبد.

مرحله بعد، کشیدن نقشه‌ای است که مناطق مسکونی و  
فضاهای عمومی، امکانات تفریحی مشترک و زمین ذخیره شده  
برای گسترش در آینده را مشخص کند. در مورد زمان اشغال  
زمین به خانواده‌ها پیش‌آگهی داده می‌شود و هر خانواده وظایف  
ویژه‌ای برعهده می‌گیرد. یک گارد پیشرو که بیشتر آنها مرد  
هستند به زمین نقل مکان می‌کند تا آن را اشغال کند و زن‌ها و  
کودکان گروه پشتیبان را تشکیل می‌دهند. آنگاه، گروه باید  
سرچای خود بماند تا هم از ورود خانواده‌های دیگری که چشم  
طمع به زمین دوخته‌اند جلوگیری کند و هم در مقابل هرگونه  
مجازات نیروهای انتظامی مقاومت کند.

نقشه نهایی محله بلافاصله روی زمین کشیده می‌شود. سهم  
افراد تعیین و سرپناهمای موقت حصیری برای هر یک برپا  
می‌شود. تمام عملیات باید سریع، ساده و منظم انجام شود زیرا  
اشغال فوری و محسوس محله خطر بعدی بیرون رانده شدن را  
کاهش می‌دهد.

زندگی در خانه‌های ناپایدار بزودی سازمان می‌یابد. مسئولان

### ظفره رفتن از مقررات

جوامع سازنده شهرکهای خارج از محدوده از قانون تخلف  
می‌کنند، نه فقط به این دلیل که زمینی را که روی آن خانه  
می‌سازند غیرقانونی اشغال کرده‌اند، بلکه همچنین به این دلیل که  
مقررات برنامه ریزی شهری را که طبق آن یک محله باید قبل  
از مسکونی شدن به سرویسهای اساسی مجهز شود، به ریشخند  
می‌گیرند. این ساکنان آینده ناچارند مقررات را زیر پا بگذارند تا  
خود را سازمان دهند.

یکی از گروههای نمونه خانه‌سازان خارج از محدوده  
خانواده‌هایی هستند که هسته مرکزی را تشکیل می‌دهند و از لیما  
یا یک بخش دیگر کشور می‌آیند. نخستین مسئله، انتخاب محل  
است. برای به حداقل رساندن میزان ریسک، معمولاً زمین خالی  
از سکنه‌ای را انتخاب می‌کنند که مالکیت دولتی داشته باشد زیرا  
احتمال تحمل این اشغال از سوی دولت بیشتر است تا از سوی  
مالکان خصوصی که برای دفاع از مالکیت خود سرسختانه  
مبارزه می‌کنند. خارج از محدوده نشینها طبعاً به پشتیبانی یک

آنا و آگنر دریتا،  
معمار پرویی، در حال حاضر در  
دانشگاه پاریس لاتز دکترایی در مورد  
مدیریت استفاده از زمین آماده می‌کند.  
لیما، محله‌های خودانگیزه: تنگلهای  
شهری و عوامل پیدایش - مورد وبلا  
ماریا دل تریونفو، پژوهشی است از او  
که در سال ۱۹۸۶ به عنوان بخشی از  
سری «اسکان انسانی و محیط  
اجتماعی - فرهنگی» یونسکو (نقطه  
به زبان فرانسه) چاپ شد.

ترتیب کامیونهای توزیع آب را می‌دهند و تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند که وسایل حمل و نقل عمومی به محله جدید نیز سرویس دهند. ساکنان ساختن خانه‌ها و مکانهای عمومی را آغاز می‌کنند. در بهترین وضع، ده پانزده سال طول می‌کشد تا زیرسازۀ یک محله مسکونی جدید کامل شود. خطر استرداد زمین کار را کندتر می‌کند. در محله‌هایی که مردم فاقد امنیت تصرف هستند کار دو سه برابر کندتر است تا در محله‌هایی که از چنین امنیتی برخوردارند. در نتیجه، سازمان دهندگان بسیار زحمت می‌کنند تا زمین تصاحب شده به نام آنان شناخته شود. آنها معمولاً با حزبهای سیاسی متحد می‌شوند تا در مقابل رأی خود قول حق قانونی زمین را بگیرند.

سیستمی که اشغال زمین، تقسیم آن، خانه‌سازی در آن و تأمین بعدی خدمات شهری را امکانپذیر می‌سازد، برای حل و فصل مسائل جدیدی که پیش روی افراد جامعه ساکن آن قرار می‌گیرد نیز چاره‌اندیشی می‌کند. کار سازمان دهندگان دیگر فقط دفاع از زمین غیر قانونی تصاحب شده نیست؛ اکنون باید از عهده اداره روز به روز محله نیز برآیند. هدف آنها بالا بردن استاندارد زندگی ساکنان است، مثلاً با حل و فصل مسائل ناشی از تقسیم زمین و همچنین حفظ نظم و مراقبت از اجرای مقرراتی

پایین، یک خانواده بنگلادشی برای ساختن خانه با هم کار می‌کنند.

پایین صفحه، در بوپوتلان (جمهوری ال سالوادور) خانواده‌های کم درآمد، با کمک وامهای کوچک برای خرید مصالح و روی زمینهایی که بنیاد توسعه و خانه‌سازی ارزان ال سالوادور (FUNDASAL) در اختیارشان می‌گذارد، شخصاً خانه خود را می‌سازند.



پیشگاه مردم‌انگاری محلات فریبگی  
بکال بن سیمانتان

محدوده نشین. این اقدام قانونی بیشتر بر مبنای ملاحظات سیاسی و انتخاباتی بود تا خط مشی عاقلانه‌ای برای حل مسائل مسکن فقرا. نویسندگان آن قانون عمدتاً در پی کسب رأی انتخاباتی یا سروسامان دادن به موضوع مالکیت زمین در پایتخت بودند. به‌رحال در ۱۹۸۴ مقامات شهر تلاش کردند روشهایی را اتخاذ کنند که خارج از محدوده نشینها در تنظیم برنامه خانه‌سازی اجتماعی خود به کار می‌برند. شهردار تصمیم گرفت به خانواده‌هایی که برای دریافت زمین سازمان یافته بودند زمین بدهد. از آنجا که اعطای زمین به آنها از راههای پذیرفته شده قانونی امکان نداشت، شهردار به سادگی اجازه داد بروند زمین را اشغال کنند.

بنابراین، شاید کلمه «خودانگیخته» دیگر واقعاً مصداق این شهرکها نباشد. با پیروی از سنتهای فتح اسپانیایی و تجتیت از نظام سنتی تشکیل جوامع، حاشیه نشین‌های لیما نشان داده‌اند که توانسته‌اند با روال معمول توسعه شهری مقابله کنند و سرانجام مقامات قانونی را به پذیرفتن روشهای خود، به عنوان راه حل مناسب مسائل مسکن عمومی، وادار کرده‌اند.

ترجمه امید اقتداری

۱. مجموعه قوانین قلمرو پادشاهی هند غربی و شرقی، چاپ کولتورا اسپانیا، ۱۹۷۳.
۲. فرمان نامه کشف، استعمار و آرام کردن هند غربی و شرقی، آرشیوهای هند غربی و شرقی، سویل، اسپانیا.



که همبستگی و انسجام جامعه را تضمین می‌کنند. متخلفان به شدت مجازات می‌شوند. خانواده‌هایی که در کارهای جمعی نظیر ساختن مدرسه شرکت نمی‌کنند، اجازه ندارند فرزندانشان را به آن مدرسه بفرستند. دادگاههای خاص محلی به دزدیها، سرقتهای مسلحانه و جرائم دیگر رسیدگی می‌کنند.

### مدلی جدید از شهرسازی

از همان ابتدا دولت به گونه‌ای غیر فعال رشد شهرکهای خارج از محدوده را تشویق کرد؛ نخست با شکست در ارائه خط مشی جدیدی برای تأمین مسکن اجتماعی و بعد با تحمل شهرکها و سرانجام قانونی کردن آنها.

تاریخ نخستین اقدام قانونی در مورد آنها به سال ۱۹۶۱ می‌رسد، یعنی پانزده سال پس از پیدایش اولین جوامع خارج از